

بهروز کنج جو

پڙو، شڪاھ علوم انساني و مطالعات فرھنگي
پرنال جامع علوم انساني

اضطراب ڪ دانش آموز

ساعت ۶ بعداز ظهر روز پنجشنبه: چندین کودک دبستانی بعداز زنگ آخر مدرسه در راه رفتن به خانه شان رحیم... را می بینند. رحیم کودکی نزارو نحیف با چشمانی به گودنشسته و مضطرب نگاهشان می کند. کودکان به محض دیدن رحیم به سوی هجوم می آورند:

— رحیم کجا بودی؟ — هی پسر برات غایب گذاشتن. — من میدونم حتماً تکلیف رونوشته بودی.

— فردا خانم معلم حسابی کتکت می زنه. — نگاه کن ازظهر همین جا ایستاده... اینها سخنانی است که می توان از زبان تک تک بچه ها شنید. نگاه خشمگین رحیم با نگاههای پر شکر بچه های همکلاسی تلافی کرده است. رحیم سخنی به زبان نمی راند و همینطور نگاهشان می کند. یکی از بچه ها از روی شیطنت به طرف رحیم می رود و کیف او را بر زمین می اندازد. رحیم آشفته و سراسیمه به سوی او هجوم می آورد و هر دو درگیر دعوائی کودکانه می شوند که منجر به پاره شدن لباس و خونی شدن بینی بچه مزاحم می شود. رحیم حرکتی ندارد عجولانه که گویی از سرناجاری و در مقابل با حادثه های غیر مترقبه

صورت می گیرد، صدای بچه ها کوجه را بر کرده است. بزرگترهای کوجه جمع می شوند و حادثه پایان می پذیرد. بهتر است قدری به عقب برگردیم.

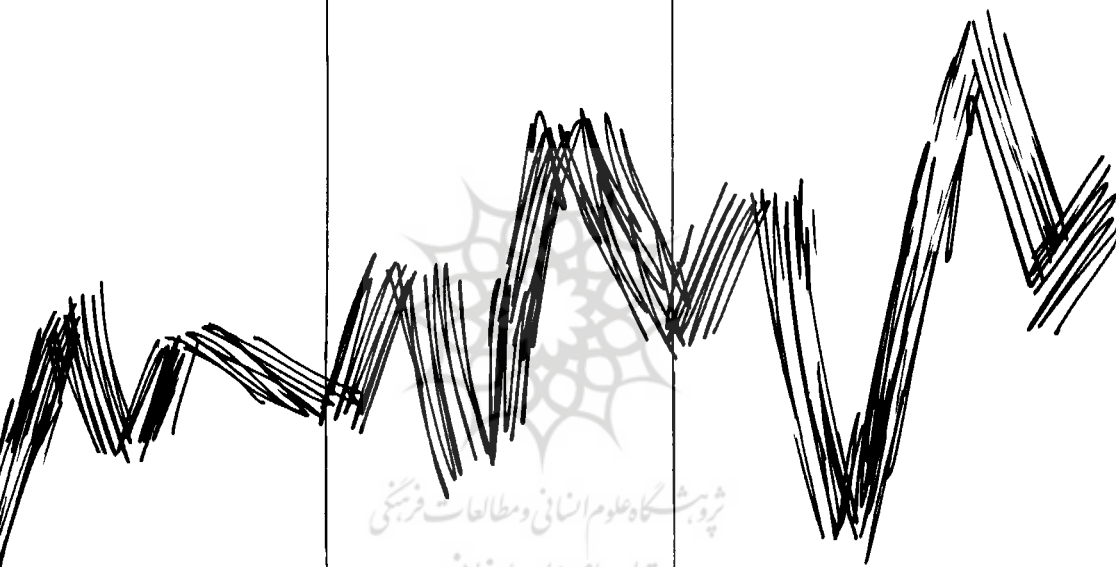
ساعت ۷ بعداز ظهر روز چهارشنبه: رحیم مشغول انجام دادن تکالیف مدرسه است. در اتاق مجاور صدای حروبحث و درگیری پدر و مادرش بالاست. حواس رحیم به دوجا معطوف شده است. جسمانش بر روی کتاب دوخته شده است و گوشه اش به صدای دعوای پدر و مادرش است. به یکباره صدای ریزش ظروف و شکسته شدن آینه، اتاق مجاور لرزشی را بر جان او مستولی می کند. شتاب زده بر می خیزد و به اتاق مجاور می رود. مادرش خونین و مالین در کناری ایستاده و در هن هن نفس می زند. نگاه خشم آلود پدر اضطرابش را دوجندان می کند. اشکال اساسی در آموزش و پرورش کودکان برخورد عمومی با آنان است. مریبان آموزشی صرف نظر از شرایط خاصی که بر روحیات و محیط خانوادگی احتمالی هر دانش آموز حاکم است انتظار برخوردی بکسان و طبعه بندی شده را از آنان دارند. مورد "رحیم" که در بالا به آن اشاره شد و

همه روزه شاهد این چنین حوادثی هستیم زنگ هشدار برای خانواده ها و موسسات آموزشی می باشد. برای آموزش و پرورش مطلوب هر جامعه اصولی پی ریزی شده است که بدون رعایت آن اصول به هیچوجه نیایستی انتظار پیشرفت مطلوب در آموزش و پرورش و رشد فرهنگی و مادی و معنوی جامعه داشته باشیم. موانعی که بر سر راه کسب موفقیت در تحصیل قرار می گیرند بسیارند. موانعی از قبیل ناداری نادانی، بیماری، نارسایی جسمی و ذهنی، اولین مشکلات را در برابر آموزش و پرورش کودکان قرار می دهند. در این مورد بسیار گفته شده و پیشنهاد های فراوان عنوان گردیده اند و شاید بتوان گفت که پیشنهادها و درخواستهای مسئولین و دست اندرکاران مسائل آموزشی در بسیاری موارد بسیار بجا بوده است ولی حرف بر سر این است که چرا بازموردی همچون مورد رحیم پیش می آید. نگاه شرربار و آشفته، اوخبر از نوعی ناهنجاری و ناسازگاری خطرناک می دهد. چیزی که برای آینده جامعه بسیار ناگوار است. بایک دید کلی می توان علت مواردی اینچنین را یکبار نخستین اصول و پیشنهاد های متخصصین دانست. یک مریبی

دودلی وعدم اتفاق فکری کودک نسبت به بزرگترها از میان نرود پیشبردی در مسائل آموزشی نخواهیم داشت. در مورد "رحیم" کاری که از قبل می-بایست انجام داده باشیم و زنگی شخصی اوتحقیق کنیم گذشته است ولی می توان کاری کرد که نوعی بهبود نسبی در وضعیت او پدید آید. وظیفه-

لحظات انتظار و چشم به در بودن، غرق در فکر شدن چه ضربات سهمگینی بر اعصاب و روحیه او فرو آورده است. با آشنگی افکار، او قادر نیست مسائل را تجزیه و تحلیل کند و از یک کودک نیز انتظار نمی رود بدون یاری بزرگترها مسائل شخصی خود را حل کند. مسئله اعتماد به نفس و اطمینان خاطر

و آموزگار کودک که بدون شناخت کافی از دانش آموز و محیط خانوادگی وی انتظار رفتاری اصولی از وی را دارد سخت راه را به خطا رفته است. مشکلات و ناراحتیهای خانوادگی کودک بر روی تحصیل و آموزش او تأثیر مستقیم دارد. طرز رفتار معلمین در کلاسها نیز مزید بر علت است. مورد "رحیم" آشکار



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مربی در فردای غیبت او این-است که به علت غیبت او بی-برود، با مهربانی و لطف فراوان به حرف زدن وادارش کند، معلم و مربی باید شرایطی ایجاد کنند

دادن به کودکان بسیار مهم است. اینکه به آنان اعتماد بدهیم که مربی و مسئولین مدرسه یار و یاور شما هستند و سعی دارند شما را کمک کنند. اگر زنگارهای شک و

می سازد که او تکلیف خود را انجام نداده است و از ترس معلم از پهرتسا عصر در جلو مدرسه انتظار کشیده است. اگر دقیق باشیم خواهیم فهمید که این

و وفا میان تمامی افراد کمک کند .
تمامی فعالیت‌های آموزشی بایستی
با در نظر گرفتن حیثیت و غرور
کودک انجام بگیرد . حیثیت
کودک اگر به عمد یا سهولطمه
بخورد این ضربه مستقیماً بر روی
عوامل دیگر اجتماع اثر خواهد
گذاشت . کودکی که از او ان کودکی
از مدرسه سرخورده و گریزان می-
شود و محیط مدرسه را که محفل
علم و دانش و انس و وفا و حمیت
و شرف و جوانمردی می باشد به
دیدۀ محلی ناامن بنگرد ، در

ثبت شرایط روحی و خانوادگی
آنان مورد تاءکید قرار گرفته
است ولی بعد از مدتی این امر
به بوته فراموشی سپرده شده است .
این مورد اگر جدی گرفته شود
بسیاری از ناسازگاریها و رفتارهای
غیر اصولی کودکان بر شیوۀ
صحیح جاری خواهد شد . آموزش
و پرورش کودک نباید به گونه‌ای
باشد که موجب بدبینی و بد-

که کودک آنان را سنگ صبور و
همدل خود بشمارد در این
صورت است که او حدیث نفس
و گفته‌های درونی خود را به
دایره واقعیت ظاهر خواهد
ریخت . سخن از بحث‌های پیچیده
روانشناسی و پرداختن به سلسله
مطالب بفرنج و نا آشنا نیست
سخن این است که چکار کنیم تا
کودک از مدرسه و کلاس و جامعه

آینده چشمداشت صفات پسندیده
و عالی از او بی ثمر خواهد بود و
همین سرخوردگی او ریشه‌های
علاقه و استعداد و قدرت او را
خواهد سوزانید و شادابی و
خوشبختی او را مواجه با
طوفانهای سهمگین خواهد کرد
بباید جدای از پرداختن به
کلمات به گفته‌ها عمل کنیم و خود
را به جای کودکان معصوم
بگذاریم .

گمانی و کینه تیزی و نفرت و
دشمنی کودک با مردم و جامعه
گردد ، بلکه برعکس باید به
دوست داشتن تمام افراد اجتماع
و از میان برداشتن نثار بدبینی و
دشمنی و کینه و وجود آوردن
احساس یگانگی و همدلی و دوستی

سبب نگرش خود را کنار نکشد
و بلکه جامعه و قانون را پناهگاهی
برای خود بداند . دردوره‌هایی
ز تاریخ آموزش و پرورش تشکیل
برونده‌های تحصیلی دانش‌آموزان